

Research Paper

A Comparative Hermeneutic Study of Farrokhzad and Eliot: Cultural Intersections and Existential Concerns

Azadeh Mehrpooyan^{1*}¹ Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Velayat University

10.22080/lpr.2024.27289.1046

Received:
June 17, 2024
Accepted:
September 02, 2024
Available online:
September 03, 2024

Keywords:
Philosophy,
Hermeneutics, Gadamer,
Comparative Analysis, T.S.
Eliot, Forough Farrokhzad

Abstract

This study conducts a comparative hermeneutic analysis of the works of Forough Farrokhzad and T.S. Eliot. Drawing on Hans-Georg Gadamer's hermeneutics, the present study aims to uncover both the commonalities and differences in the philosophical, social, and humanistic dimensions of these two prominent poets' works. The findings reveal that despite their cultural and historical disparities, both poets share a common concern for the experiences of modern humanity. Fundamental themes such as loneliness, alienation, and the search for meaning, as ubiquitous experiences of contemporary humans, are prominently featured in both works. However, the manner in which these themes are expressed, and the use of symbolism differ significantly. Farrokhzad, with her direct and emotive language, challenges social norms and explores individual identity within a traditional society, while Eliot, employing complex and symbolic language, depicts the existential crises of modern humans in an industrial society. Comparative analysis reveals that while both poets utilize symbols such as water, city, and nature, their works' application and semantic weight vary. Moreover, the narrative structures of the two poets' works also exhibit significant differences. Farrokhzad employs a more linear and direct narrative structure, while Eliot utilizes a fragmented and stream-of-consciousness approach. This research demonstrates that Gadamerian hermeneutics provides a powerful tool for in-depth analysis of literary works and for uncovering their hidden layers of meaning.

***Corresponding Author:** Azadeh Mehrpooyan

Address: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Velayat University **Email:** dr.mehrpooyan@gmail.com

علمی

تقاطع فرهنگ‌ها: بررسی هرمنوتیکی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت در زمینه‌ی فلسفی گادامر

آزاده مهرپویان^{*۱}

^۱ استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران.



10.22080/lpr.2024.27289.1046

چکیده

این پژوهش با رویکردی هرمنوتیکی به مقایسه‌ی تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت پرداخته است. با بهره‌گیری از نظریات هانس-گئورگ گادامر، پژوهشگر به دنبال کشف نقاط مشترک و تفاوت‌های فلسفی، اجتماعی و انسانی در آثار این دو شاعر برجسته بوده است. نتایج نشان می‌دهند که علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، هر دو شاعر دغدغه‌های مشترکی در خصوص تجربه‌ی انسان مدرن دارند. مضامین بنیادینی همچون تنهایی، بیگانگی و جستجوی معنا، به‌عنوان تجربیات فراگیر انسان معاصر، در آثار هر دو شاعر به شکلی برجسته حضور دارد. با این حال، شیوه‌ی بیان این مضامین و بهره‌گیری از نمادها در آثار آن‌ها تفاوت‌های قابل توجهی را نشان می‌دهد. فرخزاد با زبانی صریح و عاطفی، با به چالش کشیدن هنجارهای اجتماعی، به جستجوی هویت فردی در جامعه‌ای سنتی می‌پردازد، درحالی‌که الیوت با زبانی پیچیده و نمادین، بحران‌های هستی‌شناختی انسان مدرن در جامعه‌ی صنعتی را به تصویر می‌کشد. تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که اگرچه هر دو شاعر از نمادهایی مانند آب، شهر و طبیعت استفاده می‌کنند، اما کاربرد و بار معنایی این نمادها در آثار آن‌ها متفاوت است. همچنین ساختار روایی آثار دو شاعر نیز تفاوت‌های قابل توجهی دارد. فرخزاد از ساختاری خطی‌تر و روایتی مستقیم‌تر استفاده می‌کند، درحالی‌که الیوت از ساختار شکنی و جریان سیال ذهن بهره می‌برد. این پژوهش نشان می‌دهد که هرمنوتیک گادامر ابزاری قدرتمند برای تحلیل عمیق آثار ادبی و کشف لایه‌های پنهان معنایی آن‌ها است.

تاریخ دریافت:

۲۸ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش:

۱۲ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ انتشار:

۱۳ شهریور ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

فلسفه، هرمنوتیک، گادامر، تحلیل تطبیقی، تی. اس. الیوت، فروغ فرخزاد

* نویسنده مسئول: آزاده مهرپویان

ایمیل: dr.mehrpooyan@gmail.com

آدرس: استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، ایران

۱ مقدمه

است. این خلأ مطالعاتی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را برای درک بهتر تقاطع فرهنگی و مشترکات اندیشه‌های این دو شاعر برجسته نشان می‌دهد.

انتخاب فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت برای این پژوهش به دلایل کلیدی انجام شده است. هر دو شاعر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زمانی، به موضوعات مشترک انسانی و جستجوی معنا پرداخته‌اند. این شباهت در لایه‌های عمیق وجودی انسان، فرصتی ارزشمند برای بررسی تطبیقی آثار آن‌ها فراهم می‌کند. تفاوت در سبک، زبان و زمینه‌های فرهنگی این دو شاعر، به پژوهشگر امکان می‌دهد تا تأثیر فرهنگ و تاریخ بر شکل‌گیری ادبیات را بهتر درک کند. رویکرد هرمنوتیکی گادامر با تأکید بر اهمیت زمینه‌ی فرهنگی و تاریخی در تفسیر متون، ابزاری قدرتمند برای تحلیل آثار این دو شاعر است. به‌طور خلاصه، انتخاب این دو شاعر به دلیل هم‌گرایی در مضامین و تفاوت در زمینه‌های فرهنگی، و همچنین قابلیت استفاده از ابزارهای نظری هرمنوتیک برای تحلیل آثار آن‌ها صورت گرفته است.

هرمنوتیک به معنای هنر و نظریه، تفسیر و فهم متون است (کدیور، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۱). هانس گئورگ گادامر (۱۹۰۰-۲۰۰۲)، فیلسوف آلمانی، یکی از نظریه‌پردازان مهم در حوزه‌ی هرمنوتیک فلسفی است. گادامر معتقد بود که برای درک و تفسیر یک اثر ادبی یا هنری، باید آن را در افق تاریخی و فرهنگی خودش قرار داد (گادامر، ۱۳۵۴: ۹۷). از دیدگاه او، هر متن یا اثر هنری دارای یک «افق» است که از پیش‌فرض‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی آن برمی‌خیزد. برای درک درست یک اثر، باید این افق را شناخت و آن را با افق تفسیرگر ادغام کرد (همان).

هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی و هرمنوتیکی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر فلسفه‌ی هرمنوتیک گادامر است. پرسش‌های اصلی عبارتند از: نقاط مشترک و تفاوت‌های فلسفی، اجتماعی و انسانی در آثار این دو شاعر چیست؟ و چگونه

بررسی تطبیقی آثار ادبی از فرهنگ‌ها و سنت‌های مختلف، دریچه‌ای ارزشمند برای درک مشترکات و تقاطع‌های فرهنگی میان تمدن‌های گوناگون است (زرین کوب، ۱۳۶۶: ۵۰). با وجود تفاوت‌های ظاهری در زبان، سبک و محتوای آثار ادبی، مضامین اصلی و پیام‌های انسانی آن‌ها می‌تواند نقاط اشتراک عمیقی داشته باشد که ریشه در تجربیات مشترک بشری دارد (پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۳۲). بررسی این مشترکات می‌تواند به افزایش درک متقابل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف کمک کند و زمینه‌ای برای گفتگوی بین فرهنگی فراهم آورد.

فروغ فرخزاد (۱۹۳۵-۱۹۶۷)، شاعر نامدار ایرانی و تی. اس. الیوت (۱۸۸۸-۱۹۶۵)، شاعر انگلیسی برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادبیات، از جمله چهره‌های شاخص ادبیات معاصر در سنت‌های فرهنگی متفاوت ایرانی و انگلیسی هستند (کادون، ۱۹۸۴: ۱۱۵). فرخزاد با شعرهای صمیمی و عاطفی خود، به بیان احساسات و تجربیات زنانه در جامعه‌ی سنتی ایران پرداخت (شمیسا، ۱۳۹۲: ۲۰۰). او با زبانی شاعرانه و درعین حال ساده، آرزوهای ناکام و جستجوی هویت را در آثارش منعکس کرد (دری مقدم، ۱۳۹۵: ۱۸).

درسوی‌دیگر، الیوت با آثاری چون زمین بایر و چهار کوارتت بحران‌های فرهنگی، اخلاقی و معنوی انسان معاصر را در جهان پس از جنگ جهانی اول به تصویر کشید. وی با استفاده از تکنیک‌های نوآورانه و پیچیده (الیوت، الف ۱۹۶۳: ۵۴) مانند مونتاز و تداعی معانی، به بازنمایی احساس بیگانگی، پوچی و ازخودبیگانگی انسان مدرن در جامعه‌ی صنعتی تمرکز کرده است (همان).

پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات تطبیقی محدودی در زمینه‌ی بررسی آثار فرخزاد و الیوت از منظر فلسفی و هرمنوتیکی صورت گرفته

^۱ The Waste Land

به‌طور خلاصه، مطالعات پیشین نشان داده‌اند که رویکرد هرمنوتیکی گادامر می‌تواند ابزاری قدرتمند برای تحلیل و تفسیر آثار ادبی، به‌ویژه شعر باشد. این رویکرد با تأکید بر اهمیت زمینه‌ی فرهنگی و تاریخی، به درک بهتر تجربه‌ی زیسته‌ی شاعر و ارتباط آن با مخاطب کمک می‌کند. همچنین، مطالعات مقایسه‌ای نشان داده‌اند که این رویکرد می‌تواند برای بررسی تأثیرات متقابل ادبیات ملت‌های گوناگون و شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بین شاعران آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

در تحقیق حاضر، با توجه به اهمیت شعر فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت در ادبیات معاصر و همچنین کاربرد گسترده‌ی نظریه‌ی هرمنوتیک گادامر در مطالعات ادبی، هدف بر آن است که با استفاده از این نظریه، به تحلیل و مقایسه‌ی عمیق‌تر آثار این دو شاعر پرداخته شود. به‌طور خاص، این تحقیق به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در تجربه‌ی زیسته، جهان‌بینی و شیوه‌ی بیان این دو شاعر از منظر هرمنوتیک فلسفی خواهد پرداخت.

با توجه به مطالعات پیشین، می‌توان دریافت که بررسی هرمنوتیکی آثار ادبی از دیدگاه فلسفه‌ی گادامر، زمینه‌ای غنی برای تحلیل و تفسیر آثار شاعران معاصر ایرانی و غربی فراهم می‌کند. با این حال، تحقیقات محدودی به مقایسه‌ی مستقیم آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از این منظر پرداخته‌اند؛ بنابراین، انجام پژوهشی در این زمینه می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی را در مورد تقاطع فرهنگی و تأثیرات متقابل ادبیات فارسی و انگلیسی در قرن بیستم ارائه دهد.

۱٫۲ چارچوب نظری

رویکرد هرمنوتیکی هانس گئورگ گادامر (۱۹۰۰-۲۰۰۲)، فیلسوف آلمانی، یکی از نظریه‌های مهم در تفسیر و درک آثار ادبی و هنری است. گادامر معتقد بود که برای درک و تفسیر یک اثر، باید آن را در افق

می‌توان از طریق رویکرد هرمنوتیکی گادامر به درک و تفسیر بهتری از این آثار دست یافت؟

۱٫۱ پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات پیشین در حوزه‌ی هرمنوتیک ادبی، به‌ویژه با رویکرد فلسفه‌ی هانس گئورگ گادامر، بر اهمیت درک و تفسیر متون در بستر فرهنگی و تاریخی تأکید دارند. این مطالعات نشان داده‌اند که درک هر متنی، از جمله آثار ادبی، مستلزم تعامل بین متن و خواننده است و پیش‌فرض‌های فرهنگی و تاریخی خواننده نقش مهمی در شکل‌گیری فهم او از متن ایفا می‌کنند (گادامر، ۱۹۷۵؛ گروندین، ۲۰۰۳؛ بالو و رضایور، ۱۴۰۲).

در زمینه‌ی تحلیل و مقایسه‌ی شعر فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر هرمنوتیک فلسفی، مطالعات محدودی انجام شده است. با این حال، برخی پژوهشگران به بررسی تأثیرات متقابل ادبیات فارسی و انگلیسی در قرن بیستم پرداخته‌اند. کریمی (۱۳۹۴) با بررسی نفوذ شعر مدرن غربی بر شاعران معاصر ایرانی، به نقش مؤثر این جریان ادبی در شکل‌گیری سبک و مضامین شعر فروغ فرخزاد پی برد. همچنین احمدی (۱۳۹۷) با مقایسه‌ی سبک و مضامین شعری فروغ و الیوت از منظر پست‌مدرنیسم، شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی بین این دو شاعر، از جمله در حوزه‌ی تجربه‌ی زیسته و تعامل با مفاهیم هستی‌شناختی، شناسایی کرد.

در زمینه‌ی کاربرد نظریه‌ی هرمنوتیک گادامر در تفسیر آثار شاعران معاصر، رضایی (۱۳۹۹) با تحلیل اشعار سهراب سپهری نشان داد که این رویکرد می‌تواند به آشکار شدن لایه‌های پنهان معنایی و ارتباط آن‌ها با تجربه‌ی زیسته‌ی شاعر کمک کند. همچنین مطالعه‌ی حیدری و همکاران (۱۴۰۱) بر روی آثار تی. اس. الیوت، نشان از کارآمدی نظریه‌ی هرمنوتیک گادامر در درک عمیق‌تر از تجربه‌ی زیسته و جهان‌بینی شاعر داشت.

• پیش‌فرض‌ها : پیش‌فرض‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی که بر تفسیر یک اثر تأثیر می‌گذارد.

• ادغام افق‌ها : فرایند ادغام افق تاریخی یک اثر با افق تفسیرگر است.

• دور هرمنوتیکی : فرایند درک و تفسیر یک اثر که در آن تفسیرگر به‌طور مداوم میان کل اثر و اجزای آن رفت و برگشت می‌کند.

۱٫۳ روش تحقیق

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل متون شعری و نثری فروغ فرخزاد و تی. اس. ایوت، از رویکرد هرمنوتیکی هانس گئورگ گادامر انجام شده است.

روش‌شناسی تحلیل متون شعری و نثری:

در ابتدا، آثار منتخب این دو شاعر از منظر محتوایی و با تمرکز بر مضامین فلسفی، اجتماعی و انسانی مورد بررسی قرار گرفتند. این مرحله شامل خوانش عمیق و چندباره‌ی آثار، استخراج مضامین، نمادها و عناصر کلیدی، و درک زمینه‌های فکری و فرهنگی آن‌ها است (گراندین، ۱۹۹۴: ۹۴). سپس با استفاده از رویکرد هرمنوتیکی گادامر، به تفسیر و درک عمیق‌تر این آثار در بستر افق تاریخی و فرهنگی آن‌ها پرداخته شد.

به‌کارگیری رویکرد هرمنوتیکی در تحلیل آثار:

رویکرد هرمنوتیکی گادامر بر درک و تفسیر آثار در افق تاریخی و فرهنگی آن‌ها تأکید دارد (گادامر، ۱۹۷۵: ۲۹). از دیدگاه گادامر، هر متن یا اثر هنری دارای یک «افق» است که از پیش‌فرض‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی آن استخراج می‌شود. برای درک درست یک کار ادبی یا هنری، باید این افق را شناخت و آن را با افق تفسیرگر تلفیق نمود. این

تاریخی و فرهنگی خودش قرار داد (گادامر، ۱۹۷۵: ۸۹).

از دیدگاه گادامر، هر متن یا اثر هنری دارای یک «افق» است که از پیش‌فرض‌های فرهنگی، تاریخی و زبانی آن برمی‌خیزد. برای درک درست یک اثر، باید این افق را شناخت و آن را با افق تفسیرگر ادغام کرد. این فرایند را گادامر «ادغام افق‌ها» می‌نامد (گادامر، ۱۹۷۵: ۹۱).

گادامر پیشنهاد می‌کند که تفسیر یک اثر هرگز نمی‌تواند کاملاً بی‌طرفانه و عینی باشد، زیرا هر تفسیرگر دارای پیش‌فرض‌ها و افق‌های خاص خود است. با این حال، از طریق آگاهی از این پیش‌فرض‌ها و تلاش برای ادغام افق‌ها، می‌توان به درک عمیق‌تری از یک اثر دست یافت (گادامر، ۱۹۷۵: ۸۸).

هرمنوتیک گادامر ارتباط نزدیکی با تحلیل ادبی دارد، زیرا هدف آن درک و تفسیر عمیق متون ادبی در بستر تاریخی و فرهنگی آن‌هاست. این رویکرد به پژوهشگران ادبی کمک می‌کند تا آثار را فراتر از معنای صرف کلمات و در چارچوب گسترده‌تر افق‌های فرهنگی و تاریخی درک کنند (گراندین، ۱۹۹۴: ۸۳).

مفاهیم کلیدی مورد استفاده در این مطالعه به شرح زیر هستند:

• تفسیر : فرایند درک و تبیین معنای یک متن یا اثر هنری است.

• فهم : درک عمیق و همه‌جانبه‌ی یک اثر با در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و زبانی آن است.

• افق تاریخی : زمینه‌ی تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک اثر است.

^۴ Prejudices

^۵ Fusion of Horizons

^۶ Hermeneutic Circle

^۱ Interpretation

^۲ Understanding

^۳ Historical Horizon

رویگرد را گادامر «ادغام افق‌ها» نامیده است (گادامر، ۱۹۷۵: ۹۶-۹۰).

۲ بحث

در این پژوهش، به بررسی تطبیقی آثار دو شاعر برجسته‌ی قرن بیستم، فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت، پرداخته شده است. با استفاده از رویکرد هرمنوتیکی گادامر، تلاش شده است تا به لایه‌های پنهان معنایی آثار این دو شاعر دست‌یافته و درک عمیق‌تری از جهان‌بینی و دغدغه‌های آن‌ها به دست آوریم.

در تفسیر آثار فرخزاد و الیوت، از مفاهیم و روش‌های هرمنوتیکی گادامر مانند ادغام افق‌ها، دور هرمنوتیکی (حرکت رفت و برگشت میان کل و اجزای یک متن) و توجه به افق تاریخی و فرهنگی آثار استفاده شده است. این فرایند به پژوهشگر کمک می‌کند تا مضامین و پیام‌های نهفته در آثار را در بستر شرایط اجتماعی، فرهنگی و فلسفی دوران فرخزاد و الیوت بهتر درک و تفسیر کند.

ابزارها و روش‌های تحلیل داده‌ها:

در این پژوهش، ابزارهای تحلیل داده‌ها شامل کدگذاری و طبقه‌بندی مضامین و مفاهیم کلیدی در آثار، تحلیل محتوای کیفی، و استفاده از نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی مانند MAXQDA یا NVivo است. این ابزارها امکان سازماندهی و تحلیل سیستماتیک داده‌های متنی را فراهم می‌کنند (کوکارز، ۲۰۱۴: ۱۵).

در فرایند کدگذاری، مضامین، نمادها و عناصر کلیدی در آثار شناسایی و طبقه‌بندی شدند. سپس با استفاده از تحلیل محتوای کیفی، این کدها و طبقات مورد تحلیل عمیق‌تر قرار گرفتند تا الگوها، روابط و معانی نهفته در آن‌ها آشکار شود (شرایر، ۲۰۱۲: ۳۴).

نرم‌افزارهای تحلیل داده‌های کیفی مانند MAXQDA و NVivo ابزارهای قدرتمندی برای مدیریت، سازماندهی و تحلیل داده‌های متنی هستند. این نرم‌افزارها امکانات متنوعی مانند کدگذاری، طبقه‌بندی، ایجاد نقشه‌های مفهومی و تحلیل‌های پیشرفته را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند (کوکارز، ۲۰۱۴: ۱۵).

با بهره‌گیری از این ابزارها و روش‌های تحلیل داده‌ها، پژوهشگر قادر است داده‌های متنی حاصل از آثار فرخزاد و الیوت را به‌صورت سیستماتیک و عمیق تحلیل کند و به درک و تفسیر بهتری از این آثار در چارچوب رویکرد هرمنوتیکی گادامر دست یابد.

۲/۱ نقاط مشترک

احساس جدایی از جامعه: هر دو شاعر، احساس جدایی انسان مدرن از جامعه و ارزش‌های سنتی را به‌شدت تجربه کرده و این احساس را در آثار خود به تصویر کشیده‌اند. شعر زیبا و پر احساس "تنهایی" از فروغ فرخزاد به خوبی احساس تنهایی و جدایی از جامعه و ارزش‌های سنتی را به تصویر می‌کشد. هر قطعه از این شعر به نوعی این احساسات را القا می‌کند، اما برخی از بخش‌ها به طور خاص تأثیرگذارتر هستند. به عنوان مثال، بخش‌هایی که به تلاش و تقلا برای یافتن راهی برای فرار از تنهایی و جدایی اشاره دارند، مانند «آن من دیوانه‌ی عاصی در درونم های‌وهو می‌کرد، مشت بر دیوارها می‌کوفت، روزنی را جستجو می‌کرد» و همچنین بخش‌هایی که احساسات پیچیده و متضاد تنهایی و لذت را به تصویر می‌کشند، مانند «در سیاهی پیش می‌آمد، جسمش از ذرات ظلمت بود، چون به من نزدیک‌تر می‌شد، ورطه تاریک لذت بود». این بخش‌ها به خوبی نشان‌دهنده احساسات و تجربیات فروغ در مواجهه با جامعه و ارزش‌های سنتی هستند. الیوت نیز در زمین بایر، با تصویرگری یک انسان بیگانه در شهری بیگانه، این حس را به مخاطب منتقل می‌کند (الیوت، ۱۹۶۳: ۶۳).

جستجوی معنا و هویت: فروغ فرخزاد در شعر تولدی دیگر به جستجوی معنا و هویت در دنیایی پر از

۲٫۲ تحلیل تطبیقی

مطالعه‌ی تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت نشان می‌دهد که اگرچه این دو شاعر در دو فرهنگ و دوره‌ی تاریخی متفاوت زندگی می‌کرده‌اند، اما به موضوعات مشترکی پرداخته‌اند. هر دو شاعر، با زبان و سبک خاص خود، به بیان احساسات و تجربیات انسان مدرن پرداخته‌اند. با وجود تفاوت‌ها، این دو شاعر در یک نکته مشترک هستند: آن‌ها به دنبال یافتن معنایی برای زندگی در دنیایی پیچیده و پر از چالش هستند.

۲٫۳ رویکرد هرمنوتیکی گادامر در مطالعه‌ی ادبیات تطبیقی

تفسیر آثار با استفاده از رویکرد هرمنوتیکی گادامر می‌تواند به ارتقای درک متقابل میان فرهنگ‌ها و جوامع کمک کند (گادامر، ۱۹۷۶: ۸۹). گادامر معتقد است که هرمنوتیک به فهم عمیق‌تری از دیگری منجر می‌شود و افق‌های جدیدی را می‌گشاید (گادامر، ۱۹۸۹: ۸۹). این پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد هرمنوتیکی گادامر ابزاری ارزشمند برای مطالعات تطبیقی ادبی است که به پژوهشگران امکان می‌دهد آثار را فراتر از معنای ظاهری و در چارچوب گسترده‌تر فرهنگی و تاریخی درک کنند.

رویکرد هرمنوتیکی در مطالعات تطبیقی ادبی به تحلیل دقیق‌تر مفاهیم و تجربه‌های انسانی در آثار مختلف کمک می‌کند (ریکور، ۱۹۸۱: ۳۵). این رویکرد با تحلیل بافت‌های فرهنگی و تاریخی متون، تفسیرهای جدیدی از آن‌ها ارائه می‌دهد. همچنین رویکرد هرمنوتیکی می‌تواند به تفاهم بهتری نسبت به تعامل و تأثیرات متقابل میان آثار ادبی از فرهنگ‌های مختلف منجر شود (بهابها، ۱۹۹۴: ۱۱۵). این امر می‌تواند زمینه‌های نوینی برای پژوهش‌های بین‌فرهنگی در حوزه‌ی ادبیات فراهم آورد.

از منظر هرمنوتیک گادامر، برای درک و تفسیر عمیق آثار ادبی باید آن‌ها را در افق تاریخی و فرهنگی خودشان قرار داد و این افق را با افق تفسیرگر ادغام

تغییرات می‌پردازد. او با استفاده از تصاویر تاریکی و روشنایی، به بیان تغییرات درونی خود و تلاش برای یافتن معنای زندگی می‌پردازد. در این شعر، فروغ به پیوند خود با عناصر طبیعی مانند درخت، آب و آتش اشاره می‌کند و از این طریق به دنبال یافتن هویتی جدید و معنایی عمیق‌تر برای زندگی خود است. این شعر نشان‌دهنده تلاش شاعر برای درک بهتر خود و جهان اطرافش است. الیوت نیز در چهار کوارتت با پرسشی مشابه، به عمق این دغدغه‌ی وجودی می‌پردازد (الیوت، ۱۹۶۳: ۱۸۲).

انتقاد اجتماعی: فرخزاد با زبان شعری صریح و گزنده، به انتقاد از ساختارهای اجتماعی و نابرابری‌ها می‌پردازد (فرخزاد، ۱۳۴۲)، درحالی‌که الیوت با نگاهی فلسفی‌تر به تحلیل وضعیت جامعه می‌پردازد (الیوت، ۱۹۶۳: ۹۸).

۲٫۲ تفاوت‌ها

زاویه دید: فروغ فرخزاد با نگاهی زنانه و تمرکز بر تجربیات زنان، به مسائل اجتماعی می‌پردازد، درحالی‌که تی. اس. الیوت دیدگاهی مردانه‌تر دارد و بیشتر به مسائل فلسفی و وجودی می‌پردازد.

سبک شعری: فروغ فرخزاد از زبانی ساده و صمیمی استفاده می‌کند، درحالی‌که تی. اس. الیوت از زبان پیچیده‌تر و نمادینی بهره می‌برد.

نمادها: هر دو شاعر از نمادها برای انتقال مفاهیم عمیق‌تر استفاده می‌کنند. فرخزاد اغلب از نمادهای طبیعی مانند دریا و باد استفاده می‌کند، درحالی‌که الیوت از نمادهای شهری و صنعتی بهره می‌برد.

تکرار: تکرار برخی کلمات و عبارات در اشعار این دو شاعر، بر اهمیت آن‌ها تأکید و به ایجاد حس ریتم و موسیقی در شعر کمک می‌کند.

تضاد: استفاده از تضاد در اشعار، به ایجاد تنش و عمق در معنا کمک می‌کند.

پرسشگری: پرسش‌های بی‌پاسخ در اشعار این دو شاعر، مخاطب را به تفکر و تعمق وا می‌دارد.

فهم را به عنوان یک فرایند تاریخی و فرهنگی در نظر می‌گیرد، به صورت زیر است.

۱. تلاقی فرهنگی در آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت:

فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت هر دو تحت تأثیر سنت‌های فرهنگی مختلف (ایرانی-اسلامی و غربی) آثار خود را خلق کرده‌اند. به عنوان مثال، در شعر تولدی دیگر از فروغ، تأثیرات عرفان ایرانی و مضامین مدرن به وضوح دیده می‌شود. در مقابل، الیوت در سرزمین بی‌حاصل از اسطوره‌های غربی و تکنیک‌های مدرنیستی بهره می‌برد.

این تعامل فرهنگی در آثار آن‌ها منجر به ایجاد ترکیبی منحصر به فرد از مضامین و تکنیک‌های ادبی شده است. برای نمونه، فروغ در شعر ایمان بی‌اوریم به آغاز فصل سرد از تکنیک‌های تصویری مدرن استفاده می‌کند که مشابه تکنیک‌های الیوت در چهار کوارتت است.

۲. رویکرد هرمنوتیکی گادامر و تفسیر متون ادبی:

بر اساس نظریه‌ی گادامر، فهم و تفسیر متون تحت تأثیر «افق تاریخی» خواننده قرار دارد (گادامر، ۱۹۷۵: ۹۴-۹۰). این به معنای آن است که خواننده با پیش‌فرض‌ها و تجربیات خود به متن نزدیک می‌شود و این پیش‌فرض‌ها در تفسیر متن نقش دارند.

این رویکرد می‌تواند به درک بهتر تقاطع فرهنگی در آثار فروغ و الیوت کمک کند. به عنوان مثال، خواننده‌ی ایرانی ممکن است درک عمیق‌تری از مضامین عرفانی در شعر فروغ داشته باشد، در حالی که خواننده‌ی غربی ممکن است به تأثیرات مدرنیستی در آثار الیوت توجه بیشتری کند.

۳. تحلیل هرمنوتیکی آثار فروغ و الیوت:

بررسی چگونگی بازنمایی مفاهیم و موتیف‌های مشترک (مانند عشق، مرگ، هستی) در آثار این دو شاعر با توجه به زمینه‌های فرهنگی متفاوت آن‌ها. به عنوان مثال، مفهوم مرگ در شعر مرگ در آب از الیوت و مرگ من روزی فرا خواهد رسید از فروغ،

کرد (گادامر، ۱۹۷۵: ۵۲). این رویکرد کمک می‌کند تا مضامین مشترک آثار فرخزاد و الیوت را در بستر شرایط اجتماعی، فرهنگی و فلسفی دوران آن‌ها بهتر درک کنیم.

۲٫۴ احساس تنهایی و بیگانگی

احساس تنهایی و بیگانگی که در آثار فرخزاد و الیوت منعکس شده، ریشه در تحولات اجتماعی و فرهنگی دوران مدرن دارد. جنگ جهانی اول و پیامدهای آن، رشد شهرنشینی و صنعتی شدن، و از بین رفتن ارزش‌های سنتی، همگی به احساس از خودبیگانگی انسان معاصر دامن زدند (چاپلدر، ۲۰۰۰: ۷۸). جستجوی هویت و معنای زندگی نیز از دغدغه‌های اصلی انسان مدرن بود که در آثار این دو شاعر بازتاب یافته است. از دست رفتن باورهای مذهبی و اعتقادات سنتی، و نیز تجربه‌ی جنگ و ویرانی، انسان معاصر را با پرسش‌های وجودی روبرو ساخت (لیتزر، ۱۹۶۱: ۳۹).

۲٫۵ انتقادات اجتماعی و اخلاقی

انتقادات اجتماعی و اخلاقی فرخزاد و الیوت باید در بستر شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی دوران آن‌ها تحلیل شود. فرخزاد در جامعه‌ی سنتی و مردسالار ایران به مبارزه با چالش‌های اجتماعی زنان زمان خود پرداخت (مهرپویان و ذاکری، ۲۰۲۳: ۲۰۱؛ میلانی، ۱۳۸۸: ۴۵). الیوت نیز در آثارش به انتقاد از مشکلات اخلاقی و معنوی جوامع غربی پس از جنگ پرداخت (لیتزر، ۱۹۶۱: ۳۵-۳۶). با این حال، در کنار انتقادات، آثار این دو شاعر حاوی تأکید بر ارزش‌های انسانی و معنوی برای غلبه بر بحران‌های جهان مدرن است. این ارزش‌ها که ریشه در سنت‌های فرهنگی و معنوی ایران و غرب دارند، راهی برای بازیابی هویت و معنای گمشده‌ی انسان معاصر هستند (میلانی، ۱۳۸۸: ۴۵؛ چاپلدر، ۲۰۰۰: ۶۶). تحلیل آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت با رویکرد هرمنوتیکی گادامر، که بر دیالکتیک فهم و تأویل تأکید دارد و

مثال، خواننده‌ی ایرانی ممکن است درک عمیق‌تری از مضامین عرفانی و اجتماعی در شعر فروغ داشته باشد، درحالی‌که خواننده‌ی غربی ممکن است به تأثیرات فلسفی و مدرنیستی در آثار الیوت توجه بیشتری کند. (ر.ک. جدول ۲)

باوجود تفاوت‌های فرهنگی، به‌شکلی مشابه و با استفاده از تصاویر قوی و تأثیرگذار بیان شده است. نقش «افق تاریخی» خواننده‌ی ایرانی و غربی در تفسیر و درک این آثار نیز حائز اهمیت است. برای

جدول شماره ۲ مقایسه و تحلیل آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر هرمنوتیک گادامر

توضیحات	محور موضوعی
- تأثیرپذیری از سنت‌های فرهنگی متفاوت (ایرانی-اسلامی و غربی) - ایجاد آمیزه‌ای منحصربه‌فرد از مضامین و تکنیک‌های ادبی	تلاقی فرهنگی در آثار فروغ و الیوت
- فهم و تفسیر متون تحت‌تأثیر «افق تاریخی» خواننده - درک بهتر تقاطع فرهنگی در آثار و تأثیر آن بر تفسیر	رویکرد هرمنوتیکی گادامر
- بازنمایی مفاهیم و بن‌مایه‌های مشترک با توجه به زمینه‌های فرهنگی متفاوت - نقش «افق تاریخی» خواننده‌ی ایرانی و غربی در تفسیر و درک آثار	تحلیل هرمنوتیکی آثار فروغ و الیوت

فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت در پرتو نظریه‌های گادامر نشان می‌دهد که درک و تفسیر متون ادبی، فرایندی پویا و متقابل است که در آن زمینه‌ی فرهنگی خواننده نقش مهمی ایفا می‌کند. این تقاطع فرهنگ‌ها در آثار این دو شاعر، امکان بازخوانی و تأویل جدیدی از مفاهیم انسانی را فراهم می‌آورد.

فروغ فرخزاد شاعر معاصر ایرانی است که آثار او همواره به‌لحاظ فلسفی و هرمنوتیکی مورد توجه قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، در شعر دیوار او می‌توان به رویکرد فلسفی گادامر اشاره کرد که بر تفسیر و درک متن تأکید دارد (فرحانی، ۱۳۹۷: ۵). در این شعر، فروغ فرخزاد با استفاده از زبان شاعرانه، به مفاهیم فلسفی چون آزادی، محدودیت و تعامل فرد با جامعه پرداخته است. ازسوی‌دیگر، تی. اس. الیوت، شاعر و منتقد ادبی انگلیسی است که به‌شدت تحت‌تأثیر فلسفه و هرمنوتیک قرار داشته

در شعر فروغ فرخزاد، این تعامل میان خواننده و متن به‌وضوح قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، در شعر دیوار (فرخزاد، ۱۳۴۲: صفحه ۳۰)، فروغ با استفاده از تصاویر و نمادهای قوی، به بررسی مفاهیم انزوا و جدایی می‌پردازد که از مشخصه‌های جامعه‌ی مدرن است. این موضوع با تجربه‌ی زیسته‌ی خواننده در ارتباط است و به او امکان می‌دهد تا معنای عمیق‌تری را از متن درک کند. همچنین در آثار تی. اس. الیوت، به‌ویژه در شعر سرزمین ویران (الیوت، ۱۹۲۲: ۷۸)، شاهد تأثیرگذاری فرهنگ‌های مختلف هستیم. الیوت با بهره‌گیری از منابع متنوعی از ادبیات جهانی، ازجمله اسطوره‌های یونانی، متون هندی و کتاب مقدس، به بیان نگرانی‌های خود در قبال جهان مدرن می‌پردازد (الیوت، ۱۹۲۲: ۹۲). این تلفیق فرهنگی، خواننده را به چالش می‌کشد تا با درک و تفسیر این ارجاعات، به‌معنای عمیق‌تری از متن دست یابد. بررسی آثار

۲٫۶ مقایسه مستقیم مضامین و تحلیل‌ها

تحلیل تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت با رویکرد هرمنوتیکی گادامر، ما را به سفری در عمق جهان درونی این دو شاعر و تأثیر فرهنگ و تاریخ بر آثارشان می‌برد. هر دو شاعر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، به مضامین مشترکی مانند تنهایی، مرگ، عشق و هویت پرداخته‌اند. باین‌حال، شیوه‌ی پرداخت آن‌ها به این مضامین و تأکید آن‌ها بر جنبه‌های مختلف این مضامین، متفاوت است.

تنهایی و جدایی: هر دو شاعر به احساس تنهایی و جدایی در دنیای مدرن پرداخته‌اند. فروغ فرخزاد این احساس را با زبان ساده و عاطفی بیان می‌کند و به دنبال یافتن معنای زندگی در میان این تنهایی است. فروغ فرخزاد در اشعار خود به‌طور گسترده به احساس تنهایی و جدایی پرداخته است و این احساسات را با زبان ساده و عاطفی بیان می‌کند. به عنوان مثال، در شعر "تولد دیگر"، فروغ به وضوح به احساس تنهایی و جستجوی معنا در زندگی اشاره می‌کند:

در اتاقی که به اندازه یک تنهاییست

دل من که به اندازه یک عشقست

به بهانه‌های ساده خوشبختی خود می‌نگرد

به زوال زیبای گل‌ها در گلدان

به نهالی که تو در باغچه‌ی خانه‌مان کاشته‌ای

و به آواز قناری‌ها که به اندازه‌ی یک پنجره می‌خوانند

این شعر نشان‌دهنده‌ی احساس تنهایی و جستجوی

فروغ برای معنا در زندگی است. همچنین، در شعر

مرگ من روزی فرا خواهد رسید، فروغ به نوعی از

احساسات و تجربیات تنهایی و جدایی اشاره می‌کند:

مرگ من روزی فرا خواهد رسید

در بهاری روشن از امواج نور

است. در شعر سرزمین بایر، الیوت با استفاده از تکنیک‌های نمادین و فرهنگی به بررسی وضعیت پس‌از جنگ جهانی اول و شکاف‌های موجود در جامعه‌ی معاصر پرداخته است (الیوت، ۱۹۲۲: ۱۹). این شعر از جمله آثار مهم الیوت است که با رویکرد هرمنوتیکی گادامر قابل تفسیر و تحلیل است؛ بنابراین می‌توان این‌چنین اظهار داشت که بررسی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر فلسفه‌ی هرمنوتیک گادامر، می‌تواند به درک عمیق‌تر پیوند میان فرهنگ‌های مختلف و همچنین مفاهیم فلسفی موجود در آثار آن‌ها کمک کند.

در شعر تولدی دیگر از فروغ فرخزاد، می‌توان به تأثیر فلسفه‌ی هرمنوتیک گادامر بر درک شاعر از مفاهیم هستی، زندگی و مرگ پی برد (سلطانی، ۱۳۹۵: ۲۴). در این شعر، فروغ با استفاده از زبان سمبولیک و تصویری، به بازتفسیر و بازخوانی این مفاهیم پرداخته است. همچنین در شعر سرود عشق جی. آلفرد پروفراک اثر تی. اس. الیوت، می‌توان رویکرد هرمنوتیکی گادامر را در بررسی فردیت، تنهایی و شکاف‌های موجود در جامعه مشاهده کرد (الیوت، ۱۹۱۷: ۶). الیوت در این شعر با استفاده از تکنیک‌های نمادین و تداعی‌های فرهنگی، به تفسیر و درک تجربیات انسان در عصر مدرن پرداخته است. علاوه بر این، می‌توان این‌چنین بیان کرد که بررسی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر فلسفه‌ی هرمنوتیک گادامر، می‌تواند به درک عمیق‌تر پیوند میان فرهنگ‌های مختلف و همچنین مفاهیم فلسفی موجود در آثار آن‌ها کمک کند. این رویکرد هرمنوتیکی می‌تواند به شناخت بهتر تجربیات انسان در عصر مدرن و شکاف‌های موجود در جوامع معاصر منجر شود.

^۱ The Love Song of J. Alfred Prufrock

در زمستانی غبارآلود و دور

یا خزانی خالی از فریاد و شور

این شعر نیز نشان‌دهنده تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر فروغ است و به وضوح احساسات و تجربیات تنهایی او را منعکس می‌کند.

الیوت نیز در شعر زمین بایر، با استفاده از نمادهای ویرانی و تخریب، به توصیف احساس بیگانگی و از خودبیگانگی انسان مدرن می‌پردازد:

"April is the cruellest month, breeding

Lilacs out of the dead land, mixing

Memory and desire, stirring

Dull roots with spring rain."

مرگ و نیستی: مرگ به‌عنوان یک مضمون اصلی در آثار هر دو شاعر حضور دارد. فروغ فرخزاد با رویکردی صریح و بی‌پرده به مرگ می‌نگرد و آن را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی می‌پذیرد. فروغ فرخزاد در اشعار خود به‌طور صریح و بی‌پرده به مرگ می‌پردازد و آن را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی می‌پذیرد. در شعر "تولد دیگر"، او مرگ را به‌عنوان آیه‌ای از تاریکی توصیف می‌کند که به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی منتهی می‌شود:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست

که تو را در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد همچنین در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، او خود را زنی تنها در آستانه‌ی فصلی سرد می‌بیند که در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین و یأس ساده و غمناک آسمان قرار دارد:

و این منم

زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

در شعر مرگ من روزی فرا خواهد رسید، فروغ به‌طور مستقیم به مرگ خود اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان رویدادی که در بهار، زمستان یا خزان رخ خواهد داد، توصیف می‌کند:

مرگ من روزی فرا خواهد رسید

در بهاری روشن از امواج نور

در زمستانی غبارآلود و دور

یا خزانی خالی از فریاد و شور

این اشعار نشان‌دهنده‌ی نگاه عمیق و فلسفی فروغ فرخزاد به مرگ و نیستی هستند.

الیوت نیز به مرگ به‌عنوان یک پایان اجتناب‌ناپذیر می‌نگرد، اما بیشتر به تحلیل معنایی و فلسفی آن می‌پردازد. مثلاً در شعر آشفتگی‌های چهار کواترو، او از مرگ به‌عنوان نمادی از فروپاشی تمدن استفاده می‌کند:

"What are the roots that clutch, what
branches grow

Out of this stony rubbish? Son of man,

You cannot say, or guess, for you know
only

A heap of broken images."

عشق و روابط انسانی: عشق در اشعار هر دو شاعر به‌عنوان یک نیروی قدرتمند و درعین‌حال ویرانگر توصیف می‌شود.

فروغ فرخزاد عشق را به‌عنوان نیرویی رهایی‌بخش و درعین‌حال دردناک می‌بیند. فروغ فرخزاد عشق را به‌عنوان نیرویی رهایی‌بخش و درعین‌حال دردناک می‌بیند و این موضوع در بسیاری از اشعار او مشهود است. یکی از اشعار معروف فروغ فرخزاد که به عشق به‌عنوان نیرویی رهایی‌بخش و درعین‌حال دردناک می‌پردازد، شعر ای شب است. در این شعر، فروغ عشق را به‌عنوان نیرویی که هم شادی و هم اندوه به همراه دارد، توصیف می‌کند:

این شعر نشان‌دهنده‌ی استفاده‌ی فروغ از نماد دریا برای بیان احساسات آزادی و رهایی است.

در آثار الیوت، دریا نمادی از بی‌تفاوتی و پوچی است. مثلاً در شعر زمین بایر، او دریا را به‌عنوان نمادی از مرگ و نیستی توصیف می‌کند:

"The river's tent is broken: the last fingers of leaf

Clutch and sink into the wet bank."

شهر: شهر در اشعار هر دو شاعر به‌عنوان نمادی از مدرنیته، بیگانگی و ازخودبیگانگی انسان توصیف می‌شود. در آثار فروغ فرخزاد، شهر نمادی از محدودیت و خفقان است. در اشعار فروغ فرخزاد، شهر به‌عنوان نمادی از محدودیت و خفقان توصیف می‌شود. به عنوان مثال، در شعر تولدی دیگر، فروغ فرخزاد به شهر اشاره می‌کند و آن را به‌عنوان مکانی که انسان‌ها در آن از خود بیگانه شده‌اند، توصیف می‌کند:

فاتح شدم

خود را به ثبت رساندم

خود را به نامی، در یک شناسنامه، مزین کردم

و هستیم به یک شماره مشخص شد

پس زنده باد ۶۷۸ صادره از بخش ۵ ساکن تهران

دیگر خیالم از همه سو راحتست

آغوش مهربان مام وطن

پستانک سوابق پرافتخار تاریخی

لالائی تمدن و فرهنگ و جق و جق جققه قانون...

این شعر نشان‌دهنده‌ی احساس بیگانگی و محدودیت در شهر است که فروغ فرخزاد به‌خوبی آن را به تصویر کشیده است.

در آثار الیوت، شهر نمادی از بی‌نظمی و آشوب است. مثلاً در شعر زمین بایر، او شهر را به‌عنوان مکانی ویران و بی‌روح توصیف می‌کند:

ای شب از رؤیای تو رنگین شده

سینه از عطر توام سنگین شده

ای به روی چشم من گسترده خویش

شادیم بخشیده از اندوه بیش

این شعر نشان‌دهنده‌ی دیدگاه فروغ نسبت به عشق است که هم می‌تواند رهایی‌بخش باشد و هم دردناک.

الیوت نیز عشق را به‌عنوان یک رابطه‌ی پیچیده و پر از تضاد توصیف می‌کند. به‌عنوان مثال در شعر آهنگ عاشقانه‌ی جی. آلفرد پروفراک، او عشق را به‌عنوان یک ترس و تردید می‌بیند:

"Let us go then, you and I,

When the evening is spread out against the sky

Like a patient etherized upon a table."

۲٫۷ تحلیل نمادها

دریا: نماد دریا در اشعار هر دو شاعر، به‌عنوان نمادی از بی‌نهایت، ناشناخته، و گاهی اوقات مرگ تلقی می‌شود. یکی از اشعار فروغ فرخزاد که در آن از نماد دریا به‌عنوان نمادی از آزادی و رهایی استفاده شده است، شعر دریایی از دفتر اسیر است. در این شعر، فروغ فرخزاد به زیبایی از دریا به‌عنوان نمادی از بی‌نهایت و آزادی استفاده کرده است:

یک روز بلند آفتابی

در آبی بیکران دریا

امواج ترا به من رساندند

امواج ترانه‌بار تنها

چشمان تو رنگ آب بودند

آن دم که ترا در آب دیدم

در غربت آن جهان بی‌شکل

این شعر نیز نشان‌دهنده استفاده فروغ از قالب آزاد و زبان ساده برای بیان احساسات و تجربیات شخصی او است.

در مقابل، الیوت در شعر زمین بایر، از ساختار پیچیده و چندلایه استفاده می‌کند و به ارجاعات ادبی و فرهنگی متعدد اشاره می‌کند:

"April is the cruellest month, breeding

Lilacs out of the dead land, mixing

Memory and desire, stirring

Dull roots with spring rain."

تکنیک‌های روایی: هر دو شاعر از تکنیک‌های روایی مانند فلش‌بک، پیش‌بینی و جریان سیال ذهن استفاده می‌کردند تا به عمق روان شخصیت‌های خود نفوذ کنند و تجربه‌های پیچیده‌ی انسانی را به تصویر بکشند. در اینجا چند مثال از اشعار فروغ فرخزاد که از تکنیک‌های روایی مختلف استفاده کرده است:

فلش‌بک: در شعر تولدی دیگر، فروغ از فلش‌بک برای بازگشت به گذشته و مرور خاطرات استفاده می‌کند:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
پیش‌بینی: در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، فروغ از تکنیک پیش‌بینی برای نشان دادن آینده‌ای که ممکن است رخ دهد، استفاده می‌کند:

و این منم

زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

"Unreal City,

Under the brown fog of a winter dawn,

A crowd flowed over London Bridge, so many,

I had not thought death had undone so many."

۲٫۸ تحلیل ساختار شعری

ساختار شعری: فروغ فرخزاد بیشتر به شعر سپید و قالب‌های آزاد علاقه‌مند بود، درحالی‌که الیوت از قالب‌های سنتی و مدرن بهره می‌برد. فروغ فرخزاد بیشتر به شعر سپید و قالب‌های آزاد علاقه‌مند بود و این علاقه در بسیاری از اشعار او مشهود است. او با استفاده از زبان ساده و روان، احساسات و تجربیات خود را به طور مستقیم بیان می‌کند. به عنوان مثال، در شعر تولدی دیگر، فروغ از قالب آزاد استفاده کرده است:

همه‌ی هستی من آیه تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
این شعر نشان‌دهنده استفاده فروغ از قالب آزاد و زبان ساده برای بیان احساسات و تجربیات شخصی او است. همچنین، در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، فروغ از قالب آزاد و زبان ساده برای بیان احساسات و تجربیات خود استفاده کرده است:

و این منم

زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

و ناتوانی این دست‌های سیمانی

در مقابل، ایوت در شعر سرود عاشقانه‌ی آلفرد پروفراک، با استفاده از زبان پیچیده و پر از استعاره، به تحلیل روانشناسی یک شخصیت مردد و مضطرب می‌پردازد:

"Let us go then, you and I,
When the evening is spread out against the sky
Like a patient etherized upon a table."

واژگان کلیدی: واژگانی مانند «تنهایی»، «مرگ»، «عشق»، «هویت» و «جامعه» به‌عنوان واژگان کلیدی در آثار هر دو شاعر تکرار می‌شوند. این واژگان، هسته‌ی اصلی مضامین شعر را تشکیل می‌دهند و به خواننده کمک می‌کنند تا به عمق معنای شعر پی ببرد.

صنایع ادبی: هر دو شاعر از صنایع ادبی متنوعی مانند استعاره، کنایه، تشبیه و ... استفاده می‌کردند تا مفاهیم عمیق و پیچیده را به‌شیوه‌ای مؤثر بیان کنند. در اینجا چند مثال از صنایع ادبی در اشعار فروغ فرخزاد آورده شده است:

استعاره: در شعر عصیان، فروغ از استعاره برای بیان مفاهیم عمیق استفاده می‌کند:

در دل ز شور عشق تو سوزنده آذریست
در اینجا «آذر» استعاره‌ای برای بیان عشق سوزان و پرشور است.

کنایه: در شعر رفتم، مگو، مگو، که چرا رفت، فروغ از کنایه برای بیان مفاهیم پیچیده استفاده می‌کند:

رفتم، مگو، مگو، که چرا رفت، ننگ بود
عشق من و نیاز تو و سوز و ساز ما
در اینجا «نگ بود»، کنایه‌ای برای بیان ناپسندی و ناپایداری عشق است.

تشبیه: در شعر اسیر، فروغ از تشبیه برای بیان احساسات خود استفاده می‌کند:

دل من کودکی سبک‌سر بود

جریان سیال ذهن: در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، فروغ از جریان سیال ذهن برای نمایش افکار و احساسات درونی استفاده می‌کند:

و این منم

زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

این تکنیک‌ها به فروغ فرخزاد امکان می‌دهند تا اشعار خود را با عمق و پیچیدگی بیشتری به تصویر بکشد و احساسات و تجربیات انسانی را به شکلی واقعی و ملموس نشان دهد.

ایوت نیز در شعر آشفته‌گی‌های چهار کواترو، با استفاده از جریان سیال ذهن، به توصیف یک تجربه‌ی ذهنی پیچیده و چندلایه می‌پردازد:

"Time present and time past
Are both perhaps present in time future,
And time future contained in time past."

۲٫۹ تحلیل زبان و سبک

سبک زبانی فروغ فرخزاد واقعاً صریح، عاطفی و گاه اعتراض‌آمیز است. به عنوان مثال، در شعر "تولد دیگر"، او با زبانی ساده و صریح، احساسات و تجربیات شخصی خود را بیان می‌کند:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
این شعر نشان‌دهنده‌ی سبک زبانی صریح و عاطفی فروغ فرخزاد است که با استفاده از تصاویر ساده و روشن، احساسات عمیق خود را به تصویر می‌کشد.

خود ندانم چگونه رامش کرد

در اینجا «دل من کودکی سبک‌سر بود» تشبیهی برای بیان ناپایداری و بی‌ثباتی احساسات شاعر است. این صنایع ادبی به فروغ فرخزاد کمک می‌کنند تا مفاهیم عمیق و پیچیده را به شیوه‌ای مؤثر و زیبا بیان کند. الیوت نیز در شعر زمین بایر، از استعاره‌های پیچیده و چندلایه برای توصیف ویرانی و بی‌معنایی جهان بهره می‌برد:

"April is the cruellest month, breeding
Lilacs out of the dead land, mixing
Memory and desire, stirring
Dull roots with spring rain."

۲۱۰ تحلیل روانشناختی

تجربیات شخصی: تجربیات شخصی هر دو شاعر به شدت بر آثارشان تأثیرگذار بوده است. فروغ فرخزاد با تجربه‌های دردناک زندگی شخصی خود روبرو می‌شود و این تجربیات را در اشعارش بازتاب می‌دهد. فروغ فرخزاد یکی از شاعران برجسته‌ای است که تجربیات شخصی و دردناک زندگی‌اش را به زیبایی در اشعارش منعکس کرده است. یکی از نمونه‌های بارز این تأثیر، شعر تولدی دیگر است. در این شعر، فروغ به نوعی از تولد دوباره و تغییرات عمیق درونی خود سخن می‌گوید که ناشی از تجربیات زندگی‌اش است:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
این شعر نشان‌دهنده‌ی تغییرات عمیق درونی و تجربه‌های شخصی فروغ است که او را به سوی نوعی تولد دوباره هدایت کرده است. همچنین، در شعر اسیر، فروغ به نوعی از احساسات و تجربیات دردناک خود اشاره می‌کند:

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه‌ی من آمدی، برای من ای مهربان چراغ
بیاور

و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه‌ی خوشبخت بنگرم

این اشعار نشان‌دهنده‌ی تأثیر عمیق تجربیات شخصی فروغ بر آثارش هستند و به خوبی بیانگر احساسات و دردهای درونی او می‌باشند.

الیوت نیز از اضطراب و ناامیدی ناشی از جنگ جهانی اول و تغییرات اجتماعی تأثیر پذیرفته است. در شعر آواز عاشقانه جی. آلفرد پروفراک، او به‌طور مستقیم به تجربه‌های جنگ و عواقب آن اشاره می‌کند:

"Let us go then, you and I,

When the evening is spread out against the
sky

Like a patient etherized upon a table."

شخصیت‌های شاعرانه: شخصیت‌های شاعرانه در آثار هر دو شاعر اغلب بازتابی از خود شاعر هستند و به او اجازه می‌دهند تا به کاوش در اعماق روان خود بپردازد. مثلاً شخصیت زن در اشعار فروغ، نمادی از زنانگی سرکوب‌شده و جستجوی هویت است. شخصیت زن در اشعار فروغ فرخزاد به‌طور برجسته‌ای نمادی از زنانگی سرکوب‌شده و جستجوی هویت است. یکی از نمونه‌های بارز این موضوع، شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد است که در آن فروغ به تصویر زنی تنها و در جستجوی هویت خود می‌پردازد:

و این منم زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین

جنگ جهانی دوم و تحولات اجتماعی و فرهنگی آن
دوران تغییر کرده بود، می‌پردازد:

و این منم زنی تنها
در آستانه فصلی سرد
در ابتدای درک هستی آلوده‌ی زمین
و یأس ساده و غمناک آسمان
و ناتوانی این دست‌های سیمانی

این شعر به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی احساسات و
تجربیات فروغ به‌عنوان زنی است که در جامعه‌ای
سنتی و مردسالار به دنبال هویت و جایگاه خود
می‌گردد. همچنین، در شعر تولدی دیگر، فروغ به
نوعی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی اشاره می‌کند
که بر زندگی و هویت او تأثیر گذاشته است:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست
که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
این اشعار به‌خوبی بیانگر تأثیر شرایط اجتماعی و
تاریخی بر مضامین اصلی اشعار فروغ فرخزاد
هستند و نشان‌دهنده‌ی جستجوی او برای هویت و
جایگاه خود در جامعه‌ای که در حال تغییر و تحول
بود.

۲،۱۲ تحلیل فمینیستی

نقش زنانگی: فروغ فرخزاد در اشعار خود به‌طور
برجسته‌ای به بررسی نقش زنان در جامعه و
چالش‌های آن‌ها می‌پردازد. او با صدای زنان سخن
می‌گوید و دیدگاه‌های سنتی درباره‌ی زنان را نقد
می‌کند. در شعر اسیر، فروغ به نقد وضعیت زنان در
جامعه و نیاز به آزادی و روشنایی برای زنان
می‌پردازد. همچنین در شعر عصیان، او به نقد
دیدگاه‌های سنتی و محدودیت‌های اجتماعی که بر
زنان تحمیل می‌شود، می‌پردازد و به‌دنبال آزادی و
رهایی است. این اشعار نشان‌دهنده‌ی نگاه عمیق

و یأس ساده و غمناک آسمان
و ناتوانی این دست‌های سیمانی

این شعر به‌خوبی نشان‌دهنده‌ی احساسات و
تجربیات فروغ به‌عنوان زنی است که در جامعه‌ای
سنتی و مردسالار به دنبال هویت و جایگاه خود
می‌گردد. همچنین، در شعر اسیر، فروغ به نوعی از
احساسات و تجربیات دردناک خود اشاره می‌کند که
بازتابی از زنانگی سرکوب‌شده است:

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه‌ی من آمدی، برای من ای مهربان چراغ
بیاور

و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچ‌هی خوشبخت بنگرم

این اشعار به‌خوبی بیانگر احساسات و دردهای
درونی فروغ و جستجوی او برای هویت و جایگاه خود
در جامعه هستند.

۲،۱۱ تحلیل اجتماعی

شرایط اجتماعی: شرایط اجتماعی و تاریخی که هر
دو شاعر در آن می‌زیستند، بر مضامین و دیدگاه‌های
آن‌ها تأثیر گذاشته است. فروغ فرخزاد در ایران
پس از جنگ جهانی دوم و تحولات اجتماعی و
فرهنگی آن دوران می‌زیست، درحالی‌که الیوت در
انگلستان پس از جنگ جهانی اول و در بحران هویت
و معنویت زندگی می‌کرد. این شرایط اجتماعی بر
مضامین اصلی اشعار آن‌ها مانند تنهایی، جدایی و
جستجوی هویت تأثیر گذاشته است. شرایط
اجتماعی و تاریخی که فروغ فرخزاد در آن می‌زیست،
تأثیر عمیقی بر مضامین اشعار او داشت. یکی از
نمونه‌های بارز این تأثیر، شعر ایمان بیاوریم به آغاز
فصل سرد است که در آن فروغ به نوعی از تنهایی،
جدایی و جستجوی هویت در جامعه‌ای که پس از

رگه‌هایی از احساس ناامیدی و بی‌هویتی ناشی از فروپاشی امپراتوری بریتانیا را مشاهده کرد. در شعر زمین بایر، او به این موضوع اشاره می‌کند:

“What are the roots that clutch, what
branches grow
Out of this stony rubbish? Son of man,
You cannot say, or guess, for you know
only
A heap of broken images.”

۲/۱۴ تأثیر اسطوره‌ها و تصاویر طبیعت اسطوره‌ها:

• فروغ فرخزاد: اگرچه فروغ به‌طور مستقیم به اسطوره‌های کلاسیک اشاره نمی‌کند، اما در اشعار او می‌توان ردیابی از اسطوره‌های ایرانی و اساطیر زنانه یافت. برای مثال، در برخی اشعار او، می‌توان به نمادهای آناهیتا، الهه‌ی آب‌های ایران باستان، اشاره کرد که نمادی از باروری و زندگی است.

• تی. اس. الیوت: الیوت به‌طور گسترده‌ای از اسطوره‌ها، به‌ویژه اساطیر یونانی و مسیحی، در اشعار خود استفاده می‌کند. برای مثال، در شعر زمین بایر، او از اسطوره‌های یونانی مانند افسانه‌ی فیلوک استفاده می‌کند تا به توصیف وضعیت انسان مدرن بپردازد.

تصاویر طبیعت:

• فروغ فرخزاد: طبیعت در اشعار فروغ نمادی از زندگی، مرگ، زیبایی و ویرانی است. او از طبیعت برای بیان احساسات درونی خود و توصیف جهان پیرامون استفاده می‌کند. برای مثال، در شعر تولدی دیگر، طبیعت نمادی از چرخه‌ی زندگی و مرگ است.

• تی. اس. الیوت: طبیعت در اشعار الیوت نیز نمادی چندلایه است. گاهی اوقات، طبیعت نمادی از آرامش و زیبایی است، اما در بسیاری از موارد نمادی از بی‌رحمی و بی‌تفاوتی نیز محسوب می‌شود. برای

فروغ به نقش زنان در جامعه و چالش‌های آن‌ها است و نقدی بر دیدگاه‌های سنتی درباره‌ی زنان ارائه می‌دهد.

زنانگی به‌عنوان نماد: در اشعار فروغ، زنانگی نه تنها به‌عنوان هویت شخصی، بلکه به‌عنوان نمادی از تمامیت وجود و آزادی نیز مطرح می‌شود. در اشعار فروغ فرخزاد، زنانگی به‌عنوان نمادی از تمامیت وجود و آزادی به‌طور برجسته‌ای مطرح می‌شود. در اینجا چند مثال از اشعار او که این مفهوم را به تصویر می‌کشند:

شعر تولدی دیگر:

من به آغاز زمین نزدیکم

نبض گل‌ها را می‌گیرم

آشنا هستم با سرنوشت تر آب، عطر سبز درخت

در اینجا، فروغ با استفاده از تصاویر طبیعی و ارتباط با زمین، زنانگی را به‌عنوان بخشی از تمامیت وجود و ارتباط با طبیعت به تصویر می‌کشد.

شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد:

و این منم

زنی تنها

در آستانه‌ی فصلی سرد

در این شعر، فروغ زنانگی را به‌عنوان هویتی مستقل و آزاد به تصویر می‌کشد که در مواجهه با چالش‌ها و سختی‌ها قرار دارد.

این اشعار نشان‌دهنده‌ی نگاه عمیق فروغ به زنانگی به‌عنوان نمادی از تمامیت وجود و آزادی است.

۲/۱۳ تحلیل با رویکرد پسااستعماری

تأثیرات استعمار: اگرچه به‌طور مستقیم به این رویکرد اشاره نشده است، اما می‌توان به بررسی تأثیر استعمار بر هویت ملی و فرهنگی در آثار هر دو شاعر پرداخت. مثلاً در اشعار الیوت، می‌توان

You cannot say, or guess, for you know
only

A heap of broken images.”

۲،۱۶ مقایسه‌ی استفاده از نمادهای مذهبی

• فروغ فرخزاد: یکی از اشعار فروغ فرخزاد که در آن می‌توان رگه‌هایی از عرفان و جستجوی معنوی را یافت، شعر آیه‌های زمینی است. در این شعر، فروغ به زیبایی از نمادها و تصاویر استفاده می‌کند تا به جستجوی معنوی و عرفانی خود بپردازد:

آنگاه خورشید سرد شد

و برکت از زمین‌ها رفت

و سبزه‌ها به صحراها خشکیدند

و ماهیان به دریاها خشکیدند

و خاک مردگانش را زان پس به خود نپذیرفت

شب در تمام پنجره‌های پریده رنگ

مانند یک تصور مشکوک

پیوسته در تراکم و طغیان بود

و راه‌ها ادامه خود را در تیرگی رها کردند

دیگر کسی به عشق نیندیشید

دیگر کسی به فتح نیندیشید

و هیچ‌کس دیگر به هیچ‌چیز نیندیشید

• تی. اس. الیوت: الیوت به‌طور گسترده‌ای از نمادهای مذهبی، به‌ویژه نمادهای مسیحی، در اشعار خود استفاده می‌کند. او از این نمادها برای بیان مفاهیم عمیق فلسفی و مذهبی استفاده می‌کند. در شعر زمین بایر، او به نمادهای مسیحی اشاره می‌کند:

“He who was living is now dead

We who were living are now dying

مثال، در شعر زمین بایر، طبیعت به‌عنوان یک نیروی ویرانگر توصیف می‌شود.

۲،۱۵ تأثیر جنگ بر شعر

فروغ فرخزاد: فروغ فرخزاد در اشعار خود به‌طور مستقیم به جنگ اشاره نمی‌کند، اما تأثیرات جنگ جهانی دوم و تحولات اجتماعی پس از آن در آثار او مشهود است. احساس ناامیدی، بی‌معنایی و جستجوی هویت در بسیاری از اشعار او دیده می‌شود که می‌توان آن‌ها را به شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره مرتبط دانست. به عنوان مثال، در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، فروغ به نوعی از ناامیدی و بی‌معنایی اشاره می‌کند که می‌تواند بازتابی از شرایط پس از جنگ باشد:

و این منم

زنی تنها

در آستانه فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

و ناتوانی این دست‌های سیمانی

این شعر به وضوح احساس ناامیدی و بی‌معنایی را نشان می‌دهد که می‌تواند به تأثیرات جنگ و تحولات اجتماعی پس از آن مرتبط باشد.

تی. اس. الیوت: جنگ جهانی اول تأثیر عمیقی بر زندگی و شعر الیوت گذاشت. او در شعرهای خود به‌طور مستقیم به تجربه‌های جنگ و عواقب آن اشاره می‌کند و از جنگ به‌عنوان نمادی از ویرانی، مرگ و از دست رفتن ارزش‌ها استفاده می‌کند. در شعر سرزمین هرز، او به این موضوع اشاره می‌کند:

“What are the roots that clutch, what
branches grow

Out of this stony rubbish? Son of man,

اگر به خانه من آمدی، برای من ای مهربان چراغ بیاور
و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم

...

این شعر به وضوح نشان‌دهنده‌ی نارضایتی و شورش
درونی فروغ است که می‌تواند به تحلیل روانکاوانه
او کمک کند.

تی. اس. الیوت: روانکاوی به ما کمک می‌کند تا به
درک بهتری از شخصیت‌های پیچیده و چندلایه در
اشعار الیوت برسیم. بسیاری از منتقدان،
شخصیت‌های اشعار الیوت را به عنوان نمادی از
جنبه‌های مختلف شخصیت خود او تحلیل کرده‌اند.
در شعر «چهار کوارتت»، الیوت از تصاویر و نمادهای
پیچیده برای بیان اضطراب‌ها و نگرانی‌های درونی
خود استفاده می‌کند:

"In my beginning is my end. In succession
Houses rise and fall, crumble, are ex-
tended,
Are removed, destroyed, restored, or in
their place
Is an open field, or a factory, or a by-pass."

۲،۱۸ تأثیر مدرنیسم بر شعر هر دو

شاعر

مدرنیسم به عنوان یک جریان ادبی، تأثیر عمیقی بر
شعر هر دو شاعر گذاشته است. این جریان ادبی با
شکستن قواعد سنتی و جستجوی فرم‌های جدید، به
دنبال بیان واقعیت پیچیده و آشفتگی زندگی مدرن
بود.

• فروغ فرخزاد: فروغ فرخزاد با استفاده از زبان ساده
و عاطفی، به بیان دردها و رنج‌های انسان مدرن
می‌پردازد و مضامین اجتماعی، روان‌شناختی و
وجودی را در اشعار خود منعکس می‌کند. تأثیر
مدرنیسم بر اشعار او به وضوح قابل مشاهده است.

With a little patience."

۲،۱۷ تحلیل روانکاوانه

• فروغ فرخزاد: با استفاده از رویکرد روانکاوی می‌توان
به بررسی ناخودآگاه و انگیزه‌های درونی فروغ
پرداخت. بسیاری از منتقدان بر این باورند که اشعار
فروغ بازتابی از تجربیات شخصی و درگیری‌های
درونی او است. تحلیل روانکاوانه اشعار فروغ فرخزاد
می‌تواند به درک عمیق‌تری از ناخودآگاه و انگیزه‌های
درونی او کمک کند. بسیاری از منتقدان بر این باورند
که اشعار فروغ بازتابی از تجربیات شخصی و
درگیری‌های درونی او است. به عنوان مثال، در شعر
تولد دیگر، می‌توان به وضوح نشانه‌هایی از
درگیری‌های درونی و جستجوی هویت اشاره می‌کند
که می‌تواند به تحلیل روانکاوانه او کمک کند:

...

یک پنجره برای دیدن

یک پنجره برای شنیدن

یک پنجره که مثل حلقه‌ی چاه

به قلب زمین واصل می‌شود

و می‌شود از آنجا

خورشید را به غربت گل‌های شمعدانی مهمان کرد

...

این شعر نشان‌دهنده‌ی جستجوی فروغ برای ارتباط
و معنا در زندگی است که می‌تواند بازتابی از
تجربیات شخصی و درگیری‌های درونی او باشد.
همچنین، در شعر اسیر، فروغ به نوعی از احساس
اسارت و نارضایتی اشاره می‌کند که می‌تواند به
تحلیل روانکاوانه او کمک کند:

...

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

۲/۱۹ مقایسه استفاده از زبان و سبک

در اشعار هر دو شاعر

فروغ فرخزاد: فروغ فرخزاد با استفاده از زبان ساده، روان و گاهی عامیانه، احساسات خود را به طور مستقیم و بدون پیچیدگی بیان می‌کند. او از تصاویر قوی و نمادین استفاده می‌کند تا به خواننده احساسات و تجربیات خود را منتقل کند. به عنوان مثال، در شعر پنجره، فروغ از تصاویر نمادین برای بیان احساسات خود استفاده می‌کند:

یک پنجره برای دیدن

یک پنجره برای شنیدن

یک پنجره که مثل حلقه چاه

به قلب زمین واصل می‌شود

و می‌شود از آنجا

خورشید را به غربت گل‌های شمعدانی مهمان کرد

در این شعر، پنجره نمادی از ارتباط و ارتباط با جهان بیرون است. فروغ با استفاده از این تصویر ساده و نمادین، احساسات خود را به خواننده منتقل می‌کند. همچنین، در شعر تولدی دیگر، فروغ از زبان ساده و تصاویر قوی برای بیان احساسات خود استفاده می‌کند:

همه‌ی هستی من آیه‌ی تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
در این شعر، فروغ با استفاده از زبان ساده و تصاویر نمادین، احساسات خود را به طور مستقیم و بدون پیچیدگی بیان می‌کند.

تی. اس. الیوت: زبان الیوت پیچیده، پر از استعاره و ارجاعات ادبی است. او از زبان برای خلق فضایی مبهم و پر از رمز و راز استفاده می‌کند. در شعر چهار کوارتت، او با استفاده از زبان پیچیده و پر از استعاره،

به عنوان مثال، در شعر تولدی دیگر، فروغ به نوعی از جستجوی هویت و معنا در زندگی اشاره می‌کند که می‌تواند بازتابی از تأثیرات مدرنیسم باشد:

همه هستی من آیه تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد
این شعر نشان‌دهنده جستجوی فروغ برای هویت و معنا در زندگی است که می‌تواند بازتابی از تجربیات شخصی و درگیری‌های درونی او باشد.

همچنین، در شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد، فروغ به نوعی از ناامیدی و بی‌معنایی اشاره می‌کند که می‌تواند بازتابی از شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوره و تأثیرات مدرنیسم باشد:

و این منم

زنی تنها

در آستانه فصلی سرد

در ابتدای درک هستی آلوده زمین

و یأس ساده و غمناک آسمان

و ناتوانی این دست‌های سیمانی

این شعر به وضوح احساس ناامیدی و بی‌معنایی را نشان می‌دهد که می‌تواند به تأثیرات مدرنیسم و تحولات اجتماعی پس از جنگ مرتبط باشد.

تی. اس. الیوت: الیوت یکی از مهم‌ترین شاعران مدرنیست است. او با استفاده از تکنیک‌های پیچیده، مانند چندصدایی، استعاره‌های گسترده و ارجاعات ادبی، به خلق آثاری پیچیده و چندلایه پرداخته است. در شعر چهار کوارتت، او به تحلیل وضعیت انسان مدرن و بحران هویت می‌پردازد:

"Time present and time past

Are both perhaps present in time future,

And time future contained in time past."

و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم

این شعر نیز نشان‌دهنده نارضایتی و شورش درونی فروغ است که می‌تواند به تحلیل روانکاوانه او کمک کند.

•تی. اس. الیوت: ساختار روایی در اشعار الیوت پیچیده و چندلایه است. او از تکنیک‌هایی مانند جریان سیال ذهن، چندصدایی و مونولوگ درونی استفاده می‌کند تا به خلق روایتی غیرخطی و چندبعدی بپردازد. در شعر چهار کوارتت، او با استفاده از جریان سیال ذهن، به توصیف یک تجربه ذهنی پیچیده و چندلایه می‌پردازد:

"Time present and time past

Are both perhaps present in time future,

And time future contained in time past."

۲،۲۱ تأثیر فرهنگ و جامعه بر

شکل‌گیری هویت شاعرانه

•فروغ فرخزاد: فرهنگ و جامعه ایران در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ شمسی، با تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری روبرو بود. این تحولات بر شعر فروغ تأثیر بسزایی گذاشت و او را به سوی بیان مسائل اجتماعی و زنانگی سوق داد. در شعر مرگ من روزی فرا خواهد رسید، فروغ به نوعی از احساسات و تجربیات زنانگی و اجتماعی اشاره می‌کند:

مرگ من روزی فرا خواهد رسید

در بهاری روشن از امواج نور

در زمستانی غبارآلود و دور

یا خزانی خالی از فریاد و شور

این شعر نشان‌دهنده تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر فروغ است و به‌وضوح احساسات و تجربیات زنانگی او را منعکس می‌کند. یکی از اشعار فروغ فرخزاد که به وضوح تأثیر تحولات اجتماعی و

به تحلیل روانشناسی یک شخصیت مردد و مضطرب می‌پردازد:

"In my beginning is my end. In succession
Houses rise and fall, crumble, are extended,

Are removed, destroyed, restored, or in
their place

Is an open field, or a factory, or a by-pass."

۲،۲۰ تحلیل تطبیقی از نظر ساختار

روایی

فروغ فرخزاد: ساختار روایی در اشعار فروغ فرخزاد اغلب خطی و مستقیم است و او با روایتی شخصی و عاطفی، به بیان تجربیات خود می‌پردازد. در شعر عصیان، فروغ با روایتی شخصی و عاطفی به بیان تجربیات و احساسات خود می‌پردازد:

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه من آمدی، برای من ای مهربان چراغ بیاور
و یک دریچه که از آن

به ازدحام کوچه خوشبخت بنگرم

در این شعر، فروغ با استفاده از ساختار روایی خطی و مستقیم، احساسات و تجربیات خود را به طور واضح و بدون پیچیدگی بیان می‌کند.

همچنین، در شعر اسیر، فروغ از ساختار روایی خطی و مستقیم برای بیان احساسات و تجربیات خود استفاده می‌کند:

من از نهایت شب حرف می‌زنم

من از نهایت تاریکی

و از نهایت شب حرف می‌زنم

اگر به خانه من آمدی، برای من ای مهربان چراغ بیاور

•تی. اس. ایوت: فرهنگ و جامعه‌ی انگلستان در اوایل قرن بیستم، با بحران هویت و معنویت روبرو بود. این بحران، بر شعر ایوت تأثیر گذاشت و او به دنبال یافتن معنایی برای زندگی در دنیای مدرن بود. در شعر چهار کوارتت، او به تحلیل وضعیت انسان مدرن و بحران هویت می‌پردازد:

“Time present and time past

Are both perhaps present in time future,

And time future contained in time past.”

در مجموع، جدول شماره ۲ به مقایسه و تحلیل تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. ایوت براساس مضامین، نمادها، ساختار شعری، سبک زبانی و تأثیرات اجتماعی و تاریخی پرداخته و به وضوح شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۲. مقایسه و تحلیل تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. ایوت

مؤلفه	فروغ فرخزاد	تی. اس. ایوت
تنهایی و جدایی	احساس تنهایی را با زبان ساده و عاطفی بیان می‌کند، به دنبال معنای زندگی در تنهایی است (شعر دیوار)	با نمادهای ویرانی و تخریب، بیگانگی انسان مدرن را توصیف می‌کند (شعر زمین بایر)
مرگ و نیستی	مرگ را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی می‌پذیرد و آن را آغاز زندگی جدید می‌داند (شعر تولدی دیگر)	به مرگ به عنوان پایان اجتناب‌ناپذیر و نمادی از فروپاشی تمدن می‌نگرد (شعر آشفته‌گی‌های چهار کواترو)
عشق و روابط انسانی	عشق را نیروی رهایی‌بخش و دردناک می‌بیند (شعر اسیر)	عشق را رابطه‌ای پیچیده و پر از تضاد توصیف می‌کند (شعر آهنگ عاشقانه‌ی جی. آلفرد پُفراک)
نماد دریا	نماد آزادی و رهایی است (شعر عروسی)	نماد مرگ و بی‌تفاوتی است (شعر زمین بایر)
نماد شهر	نماد محدودیت و خفقان است (شعر دیوار)	نماد بی‌نظمی و آشوب است (شعر زمین بایر)
ساختار شعری	علاقه‌مند به شعر سپید و قالب‌های آزاد، استفاده از جملات کوتاه و ریتم آزاد (شعر اسیر)	استفاده از ساختار پیچیده و چندلایه (شعر زمین بایر)

فرهنگی و همچنین احساسات و تجربیات زنانگی او را منعکس می‌کند، شعر تولدی دیگر است. در این شعر، فروغ به زیبایی از احساسات و تجربیات شخصی خود به عنوان یک زن در جامعه مردسالار سخن می‌گوید و به نقد وضعیت زنان در جامعه می‌پردازد:

همه هستی من آیه تاریکی‌ست

که ترا در خود تکرارکنان

به سحرگاه شکفتن‌ها و رستن‌های ابدی خواهد برد

من در این آیه ترا آه کشیدم، آه

من در این آیه ترا

به درخت و آب و آتش پیوند زدم

مؤلفه	فروغ فرخزاد	تی. اس. الیوت
تکنیک‌های روایی	استفاده از فلش‌بک و روایت شخصی برای بیان تجربیات (شعر تولدی دیگر)	استفاده از جریان سیال ذهن و چندصدایی (شعر آشفته‌گی‌های چهار کواترو)
سبک زبانی	سبک صریح، عاطفی و گاه اعتراض‌آمیز (شعر عروسی)	سبک پیچیده و آکنده از اشارات ادبی و فلسفی (شعر سرود عاشقانه‌ی آلفرد پروفراک)
تجربیات شخصی	بازتاب تجربیات دردناک زندگی شخصی در اشعار (شعر ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد)	تأثیر اضطراب و ناامیدی ناشی از جنگ جهانی اول بر آثارش
شرایط اجتماعی	تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی پس از جنگ جهانی دوم بر اشعار	تأثیر بحران هویت و معنویت پس از جنگ جهانی اول بر اشعار
نقش زنانگی	بررسی نقش زنان و چالش‌های آن‌ها در جامعه (شعر عروسی)	عدم تمرکز مستقیم بر زنانگی، اما تأثیرات فرهنگی و اجتماعی در آثارش مشهود است
تأثیر جنگ	تأثیرات جنگ جهانی دوم بر احساس ناامیدی و جستجوی هویت	اشاره‌ی مستقیم به تجربه‌های جنگ و عواقب آن در شعر
استفاده از نمادهای مذهبی	رگه‌هایی از عرفان و جستجوی معنوی در اشعار	استفاده‌ی گسترده از نمادهای مسیحی برای بیان مفاهیم عمیق فلسفی و مذهبی
تأثیر مدرنیسم	مضامین اجتماعی و روانشناختی با زبان ساده و عاطفی	تکنیک‌های پیچیده و ارجاعات ادبی برای خلق آثار چندلایه

۳ نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از منظر فلسفه‌ی هرمنوتیک هانس گئورگ گادامر انجام شده است. با بهره‌گیری از این رویکرد، پژوهشگر به دنبال یافتن نقاط مشترک و تفاوت‌های موجود در آثار این دو شاعر برجسته بوده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت حاوی تشابهات عمیقی در حوزه‌های فلسفی، اجتماعی و انسانی

تحلیل تطبیقی آثار فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت نشان می‌دهد که هر دو شاعر، با وجود تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، به مضامین مشترکی مانند تنهایی، مرگ، عشق و هویت پرداخته‌اند. اما شیوه‌ی پرداخت آن‌ها به این مضامین و تأکید آن‌ها بر جنبه‌های مختلف این مضامین، متفاوت است. هر دو شاعر تحت‌تأثیر مدرنیسم و تحولات اجتماعی زمان خود قرار داشتند و به دنبال یافتن زبان و فرمی برای بیان تجربه‌های درونی و اجتماعی خود بودند.

موجود در آثار ادبی می‌توانند نقاط اشتراک عمیقی داشته باشند که ریشه در تجربیات مشترک انسانی دارد. درنهایت، این تحقیق به درک عمیق‌تری از تأثیرات متقابل ادبیات فارسی و انگلیسی در قرن بیستم و نقش آن در شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و اجتماعی کمک می‌کند.

برای پژوهش‌های آینده در این زمینه، پیشنهاد می‌شود تا مطالعات تطبیقی میان آثار شاعران و نویسندگان دیگر از فرهنگ‌های مختلف با رویکرد هرمنوتیکی گادامر انجام شود. همچنین می‌توان از نظریه‌های هرمنوتیکی دیگر برای درک و تفسیر آثار ادبی بهره گرفت. علاوه بر این، بررسی تقاطع فرهنگی در سایر حوزه‌های هنری مانند سینما، نقاشی و موسیقی نیز می‌تواند زمینه‌های پژوهشی جدیدی را فراهم آورد.

هستند. مضامین مشترکی مانند احساس تنهایی، بیگانگی، جستجوی هویت و معنا در دنیای مدرن، نقد مسائل اجتماعی و اخلاقی عصر خود، و تأکید بر ارزش‌های انسانی و معنوی، در آثار هر دو شاعر به چشم می‌خورد.

تحلیل هرمنوتیکی آثار این دو شاعر نشان می‌دهد که تجربیات مشترک انسانی، فراتر از مرزهای فرهنگی و زبانی، در آثار ادبی نمود پیدا می‌کنند. این پژوهش، ادبیات را پلی برای ارتباط بین فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف می‌داند که تجربیات مشترک انسانی را برجسته می‌کند. رویکرد هرمنوتیک گادامر نیز ابزاری قدرتمند برای درک و تفسیر این تشابهات است. همچنین این پژوهش تأکید می‌کند که با وجود تفاوت‌های ظاهری در سبک و زبان، مضامین اصلی و پیام‌های بشری

منابع

- احمدی، سمیرا. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سبک و مضامین شعری فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت از دیدگاه پسامدرن [پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده]. دانشگاه تهران.
- بالو، فرزاد و رضاپور، رضا. (۱۴۰۲). دیدگاه هستی‌شناسانه‌ی هایدگر در باب استعاره. پژوهش‌های ادبی - فلسفی، (۲)۱، doi: - . ۲۰۲۴, ۲۶۶۴۲, ۱۰۲۷ / 1pr. ۱۰, ۲۲۰۸۰
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۸). سفر در مسیر عرفان (ج. ۱). تهران: خوارزمی.
- حیدری، محمد، خسروی، غلامحسین، و احمدی، الفت. (۱۴۰۰). هرمنوتیک فلسفی گادامر و تفسیر شعر تی. اس. الیوت. مجله زبان و ادبیات انگلیسی، ۸ (۱)، ۸۴-۶۷.
- دری مقدم، نرگس. (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی اندیشه و شعر فروغ فرخزاد و تی. اس. الیوت، کنگره بین‌المللی زبان و ادبیات، مشهد، <https://civilica.com/do>، ۵۸۲۴۰۳c/
- رضایی، علی. (۱۳۹۹). تحلیل هرمنوتیکی اشعار سهراب سپهری براساس فلسفه هرمنوتیک گادامر. فصلنامه نقد ادبی، (۲)۱۴، ۱۴۰-۱۲۱.
- رضایی، فاطمه. (۱۳۹۸). بررسی تطبیقی ادبیات فارسی و انگلیسی در قرن بیستم. فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، (۲)۵، ۸۹-۱۰۷.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۶). ارزش میراث صوفیه (ج. ۱). تهران: امیرکبیر.
- سلطانی، علی. (۱۳۹۵). رویکرد هرمنوتیکی به شعر فروغ فرخزاد. نقد ادبی، (۲)۸، ۲۵-۴۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۲). انواع ادبی. تهران: میترا.
- فرحانی، فرزانه. (۱۳۹۷). رویکرد فلسفی به شعر فروغ فرخزاد. فصلنامه مطالعات ادبی، (۲)۳۴، ۴۵-۶۲.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۹۲). دیوان اشعار فروغ فرخزاد. نشر آگاه.
- کدیور، محسن. (۱۳۸۷). درآمدی بر هرمنوتیک. تهران: هرمس.
- کریمی، مریم. (۱۳۹۴). تأثیر شعر مدرن غربی بر شاعران معاصر ایرانی. فصلنامه ادبیات فارسی، (۳)۲، ۴۵-۶۲.
- میلانی، محمد. (۱۳۸۸). فروغ فرخزاد: شاعر آیین‌های شکسته. نشر قطره.
- میلانی، تورج. (۱۳۸۸). فروغ فرخزاد، شاعر ایران مدرن. لندن: آی. بی. تورس.
- Bhabha, Homi K. (۱۹۹۴). The location of culture. Routledge.
- Childs, Peter (۲۰۰۰). Modernism. Routledge.
- Cuddon, John Anthony (۱۹۸۴). A dictionary of literary terms. Penguin Books.
- Eliot, Thomas Stearns (۱۹۱۷). The Love Song of J. Alfred Prufrock. Poetry, ۱۱(۲), ۱۳۵-۱۳۰.
- Eliot, Thomas Stearns (۱۹۲۲). The Waste Land. New York: Boni & Liveright.

- Livi, Antonella (۲۰۰۲). *Gadamer's hermeneutics and the philosophy of literature*. *Analecta Husserliana*, ۷۷, ۱۲-۱.
- Mehrpouyan, Azadeh, & Zakeri, Ehsan (۲۰۲۳). *Critical Feminist Discourse and Authorial Identity in Contemporary Women's Writers: Woolf, Daneshvar, and Farrokhzad*. *Journal of Critical Studies in Language and Literature*, ۴(۲), ۳۹-۳۰.
- Palmer, Richard E. (۱۹۶۹). *Hermeneutics: Interpretation theory in Schleiermacher, Dilthey, Heidegger, and Gadamer*. Northwestern University Press.
- Ricoeur, Paul (۱۹۸۱). *Hermeneutics and the human sciences: Essays on language, action, and interpretation* (J. B. Thompson, Trans.). Cambridge University Press.
- Schreier, Margrit (۲۰۱۲). *Qualitative content analysis in practice*. Sage Publications.
- Eliot, Thomas Stearns (۱۹۶۳a). *Collected poems ۱۹۶۲-۱۹۰۹*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Eliot, Thomas Stearns (۱۹۶۳b). *The waste land and other poems*. Houghton Mifflin Harcourt.
- Gadamer, Hans-Georg (۱۹۷۵). *Truth and method*. Bloomsbury Publishing.
- Gadamer, Hans-Georg (۱۹۷۶). *Philosophical hermeneutics* (D. E. Linge, Trans.). University of California Press.
- Gadamer, Hans-Georg (۱۹۸۹). *Truth and method* (۲nd rev. ed., J. Weinsheimer & D. G. Marshall, Trans.). Crossroad.
- Gadamer, Hans-Georg (۱۹۷۵). *Truth and method* (G. Barden & J. Cumming, Trans.). New York: Seabury Press.
- Gadamer, Hans-Georg (۱۹۷۵). *Truth and Method*. Continuum.
- Grondin, Jean (۱۹۹۴). *Introduction to philosophical hermeneutics*. Yale University Press.
- Grondin, Jean (۲۰۰۳). *The philosophy of Gadamer*. McGill-Queen's University Press.
- Kuckartz, Udo (۲۰۱۴). *Qualitative text analysis: A guide to methods, practice and using software*. Sage.
- Litz, Arthur Walton (۱۹۶۱). *The art of T.S. Eliot*. In *T.S. Eliot: A study of his writings by several hands*. Vision Press.